

حرف درشت

صافکاری

● **پوریا عالمی**: رنگ زدم بنگاه و گفتم: الو، بنگاهی؟ گفتم: بنگاهی نه آقا، مشاور املاک. گفتم: هاهاها... یعنی به املاک به‌عنوان موجود جاندار مشاوره می‌دهید؟ یا مشاور املاک هستید در اینکه چه کسی را انتخاب کنند که درونشان بنشیند؟ هاها... یوهاها... این هم شد شغل؟

بعد قاف‌ه‌ خندیدم.

آقاهه گفت: شغل شما چیست؟

گفتم: بنده تو کار طنز هستم.

گفتم: هاها... یعنی دلقک‌بازی درمباری مردم بخندند پول دربیری؟

گفتم: خیر آقای محترم... بنده طنزنویس مطبوعاتی هستم.

گفتم: آهان یعنی مزخرف می‌نویسی مردم بخندند؟

گفتم: خیر قربان... بنده طنز اجتماعی می‌نویسم، اون‌هم از نوع روشنفکری و تلخ.

گفتم: آهان یعنی به بدبختی مردم می‌خندی؟ یعنی از رنج مردم پول درمباری؟

گفتم: خیر... بنده طنزهای سیاسی می‌نویسم. گفتم: آهان یعنی به مشت آدم باعث بدبختی مردم می‌شن، تو جای اینکه کاری کنی، چرت‌وپرت می‌نویسی؟ که کی خوشش بیاد؟ مردم با سیاست‌مدارها؟

گفتم: خیر قربان... بنده طنزهای خیلی عمیقی می‌سازم. شوخی‌های ظریفم که به مسائل ممنوعه و مگیوی اخلاقی می‌پردازه، خیلی معروفه.

گفتم: آهان... یعنی درباره پایین زانو چیز می‌نویسی و به خودت می‌گویی هنرمند؟ گفتم: خیر آقا... بنده نویسنده هستم...

گفتم: یعنی ملت صبح تا شب سه‌جا کار می‌کنند، تو توری کاغذ چهارتا اراجیف ردیف می‌کنی، بهش می‌گویی شغل؟ بعد روزنامه‌نگاری را هم گذاشتند توی مشاغل سخت که ۲۰ ساله بازنشسته می‌شوند، باز هم شاکی ای؟ گفتم: خیر آقا... بنده روشنفکر و منتقد به وضع موجود در هر وضعیتی هستم...

گفتم: یعنی هر کی هر کاری کند با غلنگ از روش رد می‌شوی؟ گفتم: غلط کردم آقا با شغل شما و شغل دیگران شوخی کردم. همه شغل‌ها خوب است، منتها آدم جوگیر می‌شود فکر می‌کند از دیگران آدم‌تر است. خوب شد؟

گفتم: بله پسرم. حالا بگو ببینم خانه برای اجاره می‌خواهی یا خرید؟ گفت: این داستان ادامه دارد...

نکته

حرکت دست‌های رنگی بلای جان بافت تاریخی اصفهان



● **شرق**: نام حرکت خود را گذاشته‌اند#دستهای... رنگی و کارشان این است که می‌روند در کوچه‌پس‌کوچه‌های قدیمی شهر، خانه‌های تاریخی را پیدا می‌کنند و با دست‌های رنگی، تمام دیوار خانه را با اثر دست لک می‌اندازند. برای کارشان دلیل و توجیهی ندارند، اما آنها که این نقاششان جوان و جویای نام را از نزدیکی می‌شناسند، می‌گویند که در عمل می‌خواهند با بورژوازی مقابله کنند.
بااین‌همه حرکتشان هرچه که باشد، حتی بشود آن را جزء هنر خیابانی محسوب کرد یا نه، دودش بر چشم خانه‌های تاریخی اصفهان رفته است. این گروه به‌تازگی با انتشار عکسی در اینستاگرام، نشان داده که در کوچه سنگ‌تراش‌ها که یکی از قدیمی‌ترین محله‌های شهر تاریخی اصفهان است، با دست‌های رنگی، دخل‌نمای یک خانه تاریخی را آورده‌اند. چنین رفتارهای ناهنجاری با آثار تاریخی برای ما ایرانی‌ها آشناست؛ از یادگاری نوشتن روی آثار تاریخی تا کندن پوست درختان کهن‌سال در یزد و فهرج. این‌بار اما وندالیسم به رویکردی هنری وارد شده و افرادی که دارند آثار تاریخی کشور را در یکی از مهم‌ترین پایتخت‌های فرهنگی آن نابود می‌کنند، مدعی هنر نقاشی هستند.
بازتاب عکس تازه منتشرشده آنها در اینستاگرام با بیش از ۸۰۰ کامنت همراه بوده است. گروه‌های مختلف و کاربران گوناگون، این رفتار ضدفرهنگی آنها را نکوهش کرده‌اند و حتی یکی از نمایندگان شورای شهر اصفهان، در اینستاگرامش از برخورد با این گروه خبر داده است.
جالب اینجاست که رفتار این گروه، نگرانی‌هایی را هم میان هنرمندان متعهد ایجاد کرده و برخی از آنها در اینستاگرام خود، هنر را وسیله‌ای برای حفاظت از میراث گذشتگان دانسته‌اند و نه لگدمال‌کردن آثاری که می‌توانند یادآور فرهنگ و تاریخ ایرانیان در زمینه معماری و هنرهای وابسته به آن باشند.
این گروه پیش از این در کرج نیز دست‌به‌کار شده بود، اما خبری در مورد تخریب‌های احتمالی حرکتش منتشر نشده است. این اولین‌باری است که یک گروه به صورت هماهنگ‌شده، در زمینه تخریب آثار تاریخی اقدام می‌کنند و به‌جای مسئولان، کاربران شبکه‌های اجتماعی آنها را مورد نقد و نکوهش قرار می‌دهند.

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱۳ تیر ۱۳۹۶ • ۹ شوال ۱۴۳۸ • ۴ جولای ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۹۰۲ • ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۹ • اذان مغرب ۲۰:۴۵ • اذان صبح فردا ۴:۰۹ • طلوع آفتاب ۵:۵۴

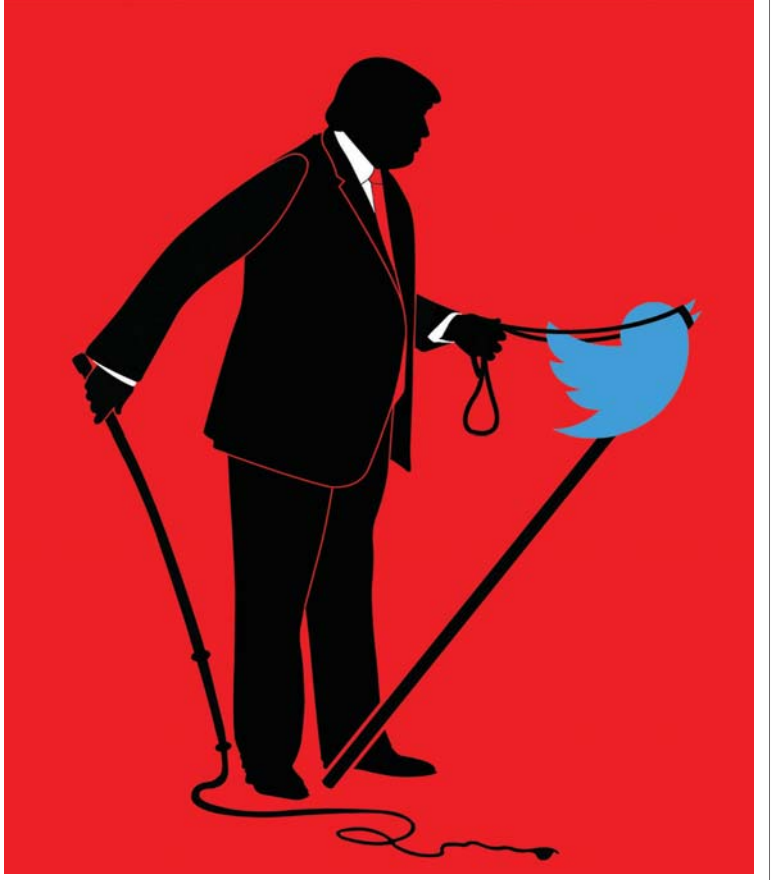
روزنامه‌فردا

کارتون خواب

علی رومانی

aliromani84@gmail.com

سی‌ان‌ان: رفتار ترامپ مانند کودکان است



روایت

کارگران؛ قربانیان گرمای هوای اهواز

محمدرضا جعفری: چند سالی است که آغاز فصل گرم نه در تیرماه تابستانی که در خرداد بهاری است، در خوزستان، اوج‌های گرما، ردشدن از مرز ۵۰ درجه و تکرار روزهای گرم می‌رسد به شرعی و می‌چسبد به ریزگرد و همراه آلودگی هوا و شلاق پاد داغ می‌خورد بر تن و راهی می‌یابد به درون تا گرفتاری اندام و کاهش آب بدن و سردرد و سیاهی‌رفتن چشم، خاصه آنکه در زل آفتاب و فضای باز، چندین ساعت از روز، به زور معیشت و مواجب، کارگر باشی و مجبور به فروش نیروی کار، وقتی دماسنج قرارگرفته در جعبه‌ای چوبی در محیطی باز و دور از خیابان‌های آسفالت و ساختمان‌های بلند و تردد خودرو و در سایه و معرض باد، دمایی بیش از ۵۰ را نشان می‌دهد، باید دانست با احتساب نمایه دما و تاثیر رطوبت، احساس واقعی گرما چیزی بیشتر از این‌و درباره رکورد جدید در اهواز حدود ۶۱ درجه- است. بر این بیفزایید حضور مستمر در آفتاب و فعالیت بدنی و حرارت ناشی از خودروها و تاثیر ساختمان‌های بلند بر گرمایی که بر بدن تحمیل می‌شود؛ علاوه‌براین افزایش میزان اشعه فرابنفش و تاثیر آن بر پوست و چشم را هم نمی‌توان نادیده گرفت. همه اینها در حالی است که قوانین موجود درباره گرما و افزایش دما و اِعمال محدودیت‌های کاری در روزهای گرم، به صراحت اعلام نظر نکرده و قانون کار و به‌ویژه فصل چهارم آن، حفاظت قنی و بهداشت کار، مواد مربوط به مشاغل سخت و زیان‌آور در قانون کار و آیین‌نامه اجرائی آن و ماده ۷ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، استنادات قانونی مشخص در تعیین شرایط کاری مرتبط با آب‌وهوا نمی‌توان یافت. همچنین واحدهای بهداشت و ایمنی کار اکثرا نقش جانبی و تزینی در محیط‌های کاری دارند و عملکرد آنها همواره زیر سایه خواست مدیران و پیمانکاران به تسریع پروژه و اتمام کار قرار دارد. در کنار این، بخش‌نامه‌های کاهش ساعات کاری که از سوی ستاد بحران و استانداری صادر می‌شود، تنها ادارات دولتی و بانک‌ها و مراکز آموزشی دولتی را به‌عنوان مجموعه هدف در نظر می‌گیرد که با هم توجه به ماهیت کاری این مراکز، تنها به کاهش مصرف برق منجر می‌شود. خیل بزرگی از نیروی کار و فعالیت‌های کاری از دایره شمول این بخش‌نامه‌های موردی بیرون هستند. مراکز و تأسیسات نفتی، گازی، پتروشیمی و آبوبرق، طرح‌های احداث و توانمندسازی بخش‌های خدمات، تعمیرات دوره‌ای و نگهداری و پروژه‌های عمرانی و ساختمان‌سازی؛ یا خصوصی هستند یا با برون‌سپاری فعالیت‌های دولت به بخش خصوصی یا خصولتی و با حمایت مدیران وابسته به شرکت‌های خصوصی، از نظارت و کارفرمایی دولت خارج شده و امور به دست صاحبان کار و سرمایه‌ای می‌تازد، گرم‌تر و برنده‌تر از پیش.

الهه کولی‌بی

حضور همراه با حمایت مردم در روزهای اخیر و تلاش آنها در فضاهای مجازی و حقیقی برای حمایت از رئیس‌جمهور منتخب، نمایش قدرت مردم است در روزهایی که آنها سختی‌های رسیدن به برجام را پشت سر گذاشته‌اند و اکنون می‌خواهند در مسیر مردم‌سالاری و همگام با ارتقای دموکراسی، شاهد حل چالش‌های اقتصادی و مشکلات معیشتی خود باشند.

مردمی که در آخرین جمعه اردیبهشت امسال پای صندوق‌های رأی رفتند، تردیدی نداشتند که همچنان، کم‌هزینه‌ترین انتخاب و پرافتخارترین گزینه برای بهبود همه‌جانبه شرایط کشور، حضور پای صندوق‌های رأی و تلاش برای به‌کسری قدرت نشاندن نامزدهایی است که بر اساس درک و شناخت جامعه، توان و ظرفیت بهتری را در برآوردگرددن نیازها و مطالبات، به نمایش گذاشته یا در عمل اثبات کرده‌اند.

تحلیل روزمره

خشونت علیه پزشک و علیه دیگری

مجتبی ارحام‌صدر

روان‌پزشک

خبرها به سرعت پخش می‌شد؛ روان‌پزشکی خوش‌نام و استاد دانشگاه حین ویزیت روزانه از سوی یک بیمار بدحال مورد حمله با چاقو قرار گرفت! خوشبختانه روان‌پزشک مجروح با تلاش سایر پزشکان نجات یافت و در مسیر بهبود قرار گرفت؛ و دیگری پزشکی که به‌دلیل مرگ شیرخواری مجروح شد.

خشونت در فضای درمانی

آمار و ارقام نشان می‌دهد که میزان خشونت فیزیکی با دخالت عامل انسانی در فضای بهداشت و درمان نسبت به سایر حوزه‌ها نه‌تنها بیشتر نیست که کمتر هم هست. این آمار البته محدود به صرف خشونت فیزیکی یا (Assault) است؛ وگرنه اگر قرار باشد خطر را به صورت کلی در محیط‌های درمانی در نظر بگیریم (شامل فطرات بهداشتی و آسیب‌های فیزیکی و شیمیایی و میکروبی و صدمات ناشی از برخورد با اشعه و فشار کار و استرس و بی‌خوابی) این مقدار آن‌چنان کم نخواهد بود. می‌دانیم که خشونت بیماران علیه کادر درمان از پزشک گرفته تا پرستار و بهیار و حتی نگهبان ورودی مراکز درمانی در همه جای جهان وجود دارد. در میان پزشکان متخصص بیشترین تجربه اعمال خشونت در میان پزشکان طب اورژانس و سپس روان‌پزشکان دیده می‌شود. در مقاله‌ای که چند سال قبل در مجله لانست چاپ شد، میزان خشونت بیمارستانی در چین در یک فاصله شش‌ساله از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ فقط هفت درصد افزایش داشته است. شبیه این نتایج در هندوستان و پاکستان هم دیده شده، ولی در برخی مناطق جهان که سرانه بهداشتی و درمانی بالاتر است؛ حتی کاهش در میزان بروز خشونت فیزیکی علیه کادر درمان هم دیده شده است. در همین زمینه تحقیقی که در یونان انجام شده، نشان می‌دهد که معطلی و سرگردانی بیماران و همراهان‌شان می‌تواند بروز خشونت را بالا ببرد. همه اینها در حالی است که ما آمار دقیق و مشخصی از بروز کلی خشونت در سایر محیط‌های اداری و شغلی و حرفه‌ای نداریم؛ با استناد به آمار پزشکی قانونی می‌توان گفت که عمده رفتارهای خشن شهروندان در محیط‌های عمومی رخ می‌دهد و میزان خشونت بیماران علیه کادر درمان هنوز هم در مقایسه با مقادیر کلی خشونت در جامعه بسیار کمتر است. نکته دیگر اینکه شیوع خشونت در بیماران جسمی و روان‌پزشکی با یکدیگر تفاوت واضحی ندارد.

پزشکان، کادر درمانی و فرهنگ سلامت‌ما

کیفیت ارتباط با مردم، درک و لمس موقعیت مراجعان و مدیریت زمان و منابع در فضاهای درمانی- بهداشتی می‌تواند باعث کاهش احتمال خشونت شود. آموزش پرسنل و دانشجویان پزشکی و تخصص در زمینه مهارت‌های ارتباط و شنیدن و توجه مؤثر به خواسته و توقع بیمار و همراهش، شاید حلقه گمشده معضل باشد؛ چراکه یک فرد حرفه‌ای مشغول در درمان و بهداشت قطعاً باید برای کنترل و پیشگیری و مدیریت ارباب‌رجوعش ماهر و توانا باشد. در فرهنگ ما که مدارا و صبر و سازش کالای پرطرفدار و ارزشمندی نیست، می‌توان انتظار داشت که در بیمارستان و درمانگاه و خانه بهداشت نیز همین نگرش حاکم باشد و زمینه درگیری و پرخاش شود. از طرفی تعریف و برداشت مردم ما از سلامت و بهبود و خدمات سلامت بسیار ایده‌آل‌گرایانه و شفاف‌محور است. در این فرهنگ به صورت جدی مسئله عوارض و هزینه‌های بیماری و درمان به‌سختی و با کراهت پذیرفته می‌شود و اغلب مردم ما انتظارات معجزه‌گونه از فرایند درمانی دارند و همین امر مطالبات عمومی را از حوزه درمان و بهداشت به‌نجوی غیرمنطقی بالا برده و می‌تواند عامل دلخوری و ناراحتی و پرخاشگری علیه پزشکان و پرسنل درمان شود. در اینجا هم بار اصلاحات فرهنگی بر دوش ما پزشکان است. ما چاره‌ای نداریم که موقعیت بحرانی را پیش‌بینی کنیم و با صرف وقت و انرژی به بیمار و خانواده‌اش امکانات و محدودیت‌های درمان را توضیح دهیم. با این اوصاف مسئولان و پرسنل بهداشتی لازم است به امنیت و حفاظت خود هم بیندیشند؛ چون خشونت به‌رحال با احتمالی رخ می‌دهد و باید برای مهار و مدیریت خشونت علیه کادر درمان آماده و مهیا بود و امکانات فیزیکی و اداری و قانونی برای محدودکردن خشونت و ناامنی را فراهم کرد.

پیامی که حساس‌بود

در نهایت می‌توان پیام مهمی دریافت: استاد روان‌پزشکی دانشگاه تبریز به‌درستی و طبیانه بیماراش را مستحق نکوهش نمی‌داند و هوشیارانه بین ماهیت انسانیت و طبیعت بیماری فاصله و تمایز قائل می‌شود. در چنین ساختاری پزشک به مبارزه جدی با بیماری می‌پردازد؛ درحالی‌که بیمار را همچنان دوست دارد و محترم می‌شمارد.

صدقه‌های تلگرامی

شرق: این روزها شیوه بهتری برای دریافت صدقه پیدا شده است؛ شیوه‌ای که از طریق تلگرام ممکن می‌شود. شما صبح‌به‌صبح که بیدار می‌شوید، عضو چند گروه هستید. گروه‌هایی که گاهی احساسات شما را مورد حمله عاطفی قرار می‌دهند. تنها با پنج‌هزار تومان می‌توانید یک نفر را سیر کنید، در

سلام به فردا

حمایت از رئیس‌جمهور را ادامه دهیم

باید بدانند مردم ایران به‌عنوان مردمی توسعه‌طلب و تعالی‌جو- که نوستالژی تأثیرگذاری همه‌جانبه بر تمدن بشری را زنده نگه داشته‌اند- برای بهبود موقعیت همه افراد جامعه و تحقق پیشرفت و توسعه همه‌جانبه کشور پای صندوق‌های رأی رفتند و حال نیز حمایت خود را از فرد منتخب ادامه می‌دهند. این مسئله از آنجا در شرایط امروز کشور و منطقه حائز اهمیت است که نهاد انتخابات به دلیل چالش‌های موجود در خاورمیانه، با مشکلات فراوانی روبه‌روست و ایرانیان در سال‌های اخیر، تمام تلاش خود را به خرج داده‌اند تا با حضور گسترده خود در سپهر سیاسی ایران، اندکی از این مشکلات بکاهند.

از یاد نبریم که تغییرات جهانی در عرصه سیاست‌های داخلی و روابط بین‌الملل، مسئله حضور مردم ایران را حتی پس از انتخابات، بیش از پیش ضروری کرد است؛ به‌ویژه با توجه به رقابت قدرت‌های بزرگ در منطقه، هوشیاری و حمایت درست مردم ایران، می‌تواند زمینه‌های احتمالی طرح‌ای‌های خصمانه علیه ملت ایران را از میان برده و به دنیا نشان دهد کشور‌های دموکراتیک به دنبال جنگ و ماجراجویی نبوده و نیستند.

یادداشت

پرسش‌های بی‌پاسخ پرونده کیارستمی



گیسو غفوری

به سالگرد درگذشت عباس کیارستمی رسیدیم، کمتر روزی داش در ایران و جهان فراموش شد. برای ما خبرنگاران سینمایی او مهم‌ترین سینماگر ایرانی در جهان بود و هر بار با اشتیاق اخبار موقعیت‌های او را دنبال و منتشر می‌کردیم. کیارستمی در بسیاری از اتفاقات سینمایی و فرهنگی و هنری اول بود. او اولین کسی بود که جایزه نخل طلای کن را دریافت کرد. او اولین کسی بود که توانست خودکشی را سوزو- اصلی فیلمش قرار دهد (طعم کیلاس). او اولین کسی بود که سینمای ایران را در جهان مطرح کرد. او اولین کسی بود که با یک ستاره جهانی «ژولیت بینوش» فیلم ساخت و او را به ایران دعوت کرد. او اولین کسی بود که به‌عنوان یک فیلم‌ساز نمایشگاه عکس برپا کرد و ورود هنرمندان را به عکاسی آغاز کرد. فهرست اولین بارهای او در سینمای ایران بسیار زیاد است؛ اما این فهرست با رفتن او پایان نگرفت. او برای اولین بار توانست کمبودهای پزشکی و درمان کشور را به مسئله روز جامعه تبدیل کند. او با بیماری‌اش و بعد از آن با مرگش برای اولین بار با قطعیت توانست نظام پزشکی ایران را با این سؤال روبه‌رو کند که این نظام چقدر می‌تواند حافظ زندگی بیماران باشد؟

یک سال گذشت. امروز قرار است دانشگاه شهید بهشتی برنامه‌ای برگزار شود و مسئولان نظیر وزیر بهداشت و نظام پزشکی و... در کنار بهمن کیارستمی از پرونده پزشکی او سخن بگویند؛ پرونده‌ای که هنوز برای بسیاری هنوز باز است و پرسش‌های بسیاری درباره‌اش مطرح می‌شود.

در این یک سال بسیاری از پرسش‌ها بی‌پاسخ مانده است. مسئولان مدام بر بی‌گناهی خود پافشاری می‌کنند و از کمبودها و برخی بی‌گفتی‌ها به‌راحتی گذر می‌کنند. مردم نیز هنوز منتظرند که چرا سؤال‌هایشان بی‌جواب مانده است، چرا هنوز مشخص نشده است چه کم‌کاری‌هایی در بیمارستان‌های ایران رخ داده که یک عمل ساده به بحران تبدیل شد و در نهایت این فاجعه را به دنبال داشت. مردم و افکار عمومی این سؤال و مقایسه را مطرح می‌کنند که وقتی خانواده کیارستمی با جایگاهی که در ایران و جهان دارد، در مقابل استیفای حقوق از‌دست‌رفته خود موفق به نظر نمی‌رسد؛ پس با افراد دیگر چگونه برخورد می‌شود؟ مردم چگونه می‌توانند مطمئن باشند که اگر مشکلی برایشان رخ دهد، نقاششان به جایی می‌رسد؟ البته در این مدت مطالب زیادی درباره دستگاه‌های نظارتی پزشکان و توانایی بررسی آن مطرح شد؛ اما شاید تنها پرسشی که در این مدت نه از سوی مسئولان؛ بلکه از سوی یکی از چهره‌های شناخته‌شده پزشکی- با یک زمانی- درباره‌اش راهنمایی شده باشد، همین موضوع است. همین نکته که مسیر این پرونده می‌توانست از ابتدا سرعت بگیرد، اگر به پزشکی قانونی مراجعه می‌شد و مشکلات پزشکی در آنجا بیان و دنبال می‌شد.

رفتن کیارستمی تأثیری در آنجا بین و نحوه رابطه مردم و پزشکان داشت. تجربه‌های تلخ و شیرین خود را مرور کردند و بیان کردند که چه نگرانی‌هایی داشته‌اند و دارند و چه بر سرشان آمده است. از سوی دیگر پزشکان نیز در فعالیت‌های خود علاوه بر نگرانی و شاید کاهش تهور و شجاعت‌شان، مسئول‌بودن در قبال عملکردشان را به شکل ویژه‌تری مدنظر داشتند. در این یک سال، رفتن کیارستمی به پزشکان نیز کمک بیشتری کرد تا مردم بیشتر درباره کمبودهای‌شان بدانند و مطالبات و مسائل صنفی‌شان مطرح شود. مردم نیز به شکل‌های مختلف افسوس خود را از این فقدان مطرح کرده‌اند: در طول یک سال گذشته #خطای پزشکی #حقوق بیمار #بیمار-مسئول #عباس کیارستمی جزء کلماتی بود که مورد توجه قرار گرفته است. کرافیتی‌هایی از کیارستمی در گوشه و کنار شهر به چشم می‌خورد. هنگامی که از کنار سینما آزادی می‌گذرد، بر روی یک کیوسک برق تصاویر نقاشی‌شده از خانه دوست کیاست را می‌بینید. همان‌طورکه در کاری‌های مختلف تهران عکس‌ها و نقاشی‌های هنرمندان ایرانی به یاد او به نمایش گذاشته شده‌اند؛ اما نشست روز ۱۴ تیر قرار نیست بار دیگر پزشکان را در برابر بیماران و بیماران را در برابر پزشکان قرار دهد؛ بلکه می‌تواند آشنه راهی باشد تا این ارتباط خشه‌دار شده اندکی بهبود پیدا کند و همگان در کنار هم بتوانند قدمی برای اصلاح سیستم معیوب بردارند.

پرنده آبی

است این درخواست‌ها ادامه پیدا می‌کند. اکثرا هم در این دوراهی مانده‌اند که اگر کمک نکنند آیا ظالم هستند، از سوی دیگر اعتمادی هم به این افراد ندارند که چه سرنوشتی برای مبلغ اهدایی‌شان پیش می‌آید. عده‌ای توجیه می‌کنند که مثلا پنج، شش هزار تومان که چیزی نیست، اما مجموع این مبالغ که بالاتر از ده‌ها میلیون است چطور؟